

مردم باغ و نخلستان کنند میگفت اراضیکه اس سال در کربلا فرو ختم با اینکه نسبت ارزان فروخته شد چنانچه

مزار تو مان عاید و یوان شد با بجه قدری که رقم با اول باغات رسیدیم این نهر حر از کوه پسته پی می تا

دو طرفش کوه باغ و نخلستان است زمین سپهر نخل درختان نارنجیر توت توت ابریشم سایر اشجار

زیاد داشت خیلی راه رقم بعد از نخل کوه چلی که نشسته با سحر اف داخل کوه باغ دیگری شدیم بدروازه

هر داخل شهر شده کوه چای تنگ خانها مطابق داخل صحن حضرت شدیم زیارت کردیم نماز کردیم

آقا پید کاظم روضه خوان حضرت اده روضه مختصر پی خواند دو ساعت بغروب نمانده نمران

معاودت شد بعضی اخبار مکرر از کرمانشاهان سیده بود خبرهای خوب داشت از جمله از بزرگان

کرمانشاهان و آن نواحی که چون این اوقات خیلی کم بارندگی میشود خبر باران مفرح است شب بعد از

شام شیخ مهتاب آمدند محقق از روضه تصفا حالات حضرت سید الشهدا علیه السلام را خواند

بعد از ساعتی خواهیم در رای که از صحن حضرت علیه السلام حضرت عباس میرود صدفه متفقا

که سمت چپ را پیش شجرات ارد در حجره دست چپ ملا آقایی در بندگی آقا پید مهدی ^{علیه السلام}

و شیخ محمد حسن صاحب فصول اصفهانی دفن پستند در حجره سمت راست آقا سید ابراهیم محمد

قرونی . و آقا پید مهدی برادر آقا پید ابراهیم و شیخ محمد حسین قرونی مدفون پستند

روز یکشنبه دوم رمضان بعد از ظهر آقا سید صادق و مشیر الدوله علمای کربلا را بحضور آوردند حاج میرزا ^{علیه}
 آقا زین العابدین کو یار برادر آقا میرزا صالح کربلایی است که در طهران است حاج میرزا ابوالقاسم آقا ^{تبار}
 تعی شهرستانی حاج میرزا حسین آقا سید مصطفی استرآبادی شیخ زین العابدین ملاحسین اردکانی که
 از اجله علمایست و مجلس درس دارد آقا شیخ محمد رضا آقا شیخ صالح بعد از رفتن علمای آقا خان محمّدی
 جلال شاه دو کلدان طلا و نقره متماز که در اسب وانی فیسی بطور تدریج برده بود از جانب آقا خان آورده پیش کرد
 کلدان های خوب و ممتاز است کلدان کوچک از نقره است بسیار زیب زرگری کرده اند باین السطفا
 سپردم زیارت رفیق ما خواندم دارد صریح معتمدین شدم باین خط حضرت امیر مؤمنان سلواته الله ^{علیه}
 بدست خود روی صندوق مبارک سید الشهدا علیه السلام که اشم قرآن خط امام زین العابدین که کم حجم
 و کوچک است وی صریح حضرت علیه السلام بود میرزا حسن کلید دار آورد زیارت کردم فرما
 خیلی بزرگی هم که در سند تمام شده است و محمد علیخان افشار الدوله مندپس که یکی از اوجه ^{او} و سائر
 مند بوده و در تصرف کربلا مجاورت اختیار کرده و در همین من معتمدین وفات کرده است برو ^{صند}
 مطهره وقف نموده بتفصیل ملاحظه کردم از حیث خط و تدنیب و کاغذ و جلد و سایر محسنات
 بی نظیر است باید مبلغی خطیر در تمام این تسد آن مصرف کرده باشند کفرم روضه خوانی ایستاد
 روضه خواند رفت شد در سمت بالای سر حضرت در جزئی دو نیم ستون کوچک است از مرمر ^{بزرگ}

نصب کرده انوضع را اختصاص داده اند گفته مقام خرج نخند مریم است که حضرت عیسی تولد یافت
بالای این موضع پنکته سیاهی عالی برنجی نصب شده است پرسیدم گفته این پنکته از خزانگان
باقا فخر زوار غلطیده بگردانده است پانزده سال قبل درین موضع نصب کرده اند عوام اظهار
اعتقادی میکنند در من و لمس این پنکته اصراری دارند از پرده های مر و ایدوده زود تا جا و چیده
و اسلحه موضع و قدیها و پنجره های طلا و نقره زیاد نصب کرده و آویخته اند اما در کتب حضرت عباس
پشترت و رات اسلحه است قدیل و پنجه هم دارد بافت سردوستی هم مجتبا ساخته اند سیاه هم
شده بود از سایر قدیها و پنجه استیاری داشت سوال کردم گفتند سیاهی نذری کرده و در آد
آن حال و نقل نموده بود در سردوش مرضی هم برپسیده از پنجه حضرت دانت این پسند
نقره را جرییده تا خیزند ساخته یا پنجه پستهاده است وقت پروان آمدن از ضمن جلوان ایستادیم
عکاسی عکسی از بالا انداخت از آنجا زیارت حضرت عباس رقم بعد از زیارت کلید دار
در ب ضریح را باز کرد قبر مبارک را بوسیدم بعد تیمور میرزا گفت قبر حضرت عباس از ضریح در
سردانی است اما در قرن این سرداب خیلی مشکل است کلید دار هم گفت نمیتوان رفت همگروه
گفتم برویم من حاتم سلطه ایست قاسمی باشی امین الملک مقدر الملک محمد علیخان
کلید دار پر کلید دار آقا جیه تیمور میرزا کیشکلی باشی آمدند در سطح روان می بود چندان

داشت در بارگرددند پخته و دوزیاد داشت خیلی کوه و عین و مار یک کس شمع بدست گرفته
 بود با شمای پله پارسیدیم و الان تنگ درازی پیش آمد طوری تنگ و کم فضا بود که کینفر با شکل
 میگذشت زخت عبور ازین راه تنگ را دیدم تروید کردم که برگردم غرضی که در زیارت اصل رتبت
 منظر حضرت کرده بودم و امنگیر شد رقم از نقتب و الان که ششم نقتبائی بی منقد و روزن رسیدیم
 چند پله دیگر رو بالا داشت فضای دیگر بود که قبر مبارک آنجا است علامت قبر در خاک معین بود
 بقعه الملک کفتم از خاک روی قبر رتبت حقیقی حضرت قدری برداشت در شمال پاکی رتتم به تبرک و تمنی
 برداشتم هوای این نقتب و فضا بسیار غلیظ بود نزدیک بود خفه بشوم خلاصه بر ششم منزل امروز
 حاجی هاشم نازی حاجی بو اچسن بهبانی که از تجار مقبره ایران ساکن منمنی مستند با جلال شاه پسر آقاخان
 بحضور آمدند بنای کتبه امام حسین و اولاد ازال بویه بوده بعد از خلافت عباسیه مخفف و مختصر
 ساخته بودند آقا محمد خان مرحوم از نو ساخته طلای کسبدم از خاقان شهید است نقره نضیح
 از خاقان مغفور است طلای شماره ۱ که از نضف بالاست از زن خاقان مغفور و دختر مصطفی خان
 عواست آینه در مردم شراکت ساخته اند نقره نضیح حضرت عباس از والد شاه مرحوم محمد شاه
 آقا نقره اشس بسیار نازک است که همه ریخته است



۱۴۵ روز دوشنبه یازدهم رمضان صبح بخام رقم بعد از استحمام بنا بر خودیم طرف عصر سوار کالسکه شدیم

بر یارت با عجله احسین صلوات الله علیه و علی اولاده اجمعین انظار حسین شرف شد و نماز را

در بالای سپهر حضرت کردیم بعد از نماز سر مطهر را قورون کرده در راه بستند من و میرزا حسن کلیدوار

جسارت کرده بتوی ضیح حضرت رفته از ضیح هم در ب کو چاک دیگر بود میرزا حسن باز کرد شمع در دست

داشت دور قبر منور با آجر فرش شده بود که پای رویه آجر گذاشته شد من از طرفی میرزا حسن

از طرفی بر خت زیاد رفتم میرزا حسن متقبل شمع را کج میگرد من از دست او میگردم کتاب عمار میرزا حسن

کم کرد بعد بر خت پیدا کرد با ضیق نفس با و صدمه و زخم زیاد رسید من بطور عجیبی روی آجرها نشسته بودم

جاسکت بود سرم به تخته ضیح میخورد جای نشستن بسیار مشکل بود بر خت زیادی نشستم تحمل سنگین

بود حرمت و جلالت آن مکان همه چیز را از خاطر برد بطوری که میرزا حسن خودش و من زخم پیدا کردیم

قلب نمی آمد کتاب عمار اگر رقم خواندم تخته روی قبر مطهر را میرزا حسن کشید دست برده دو تخته شستی بر

صیحه از روی قبر مطهر برداشتم همانجا بدستمال سفیدی ریختم میرزا حسن مهر کرده پروان آیدیم عبا

سفید سپه میرزا حسن از جانب حضرت سید الشهداء به من داد پوشیدم پروان آدم حالت غریبی

بته ترتیب ایجاب گذاشته در منزل من السلطان سپردم خودم هم مهر کردم رختهایی که پوشیده

بودم و باین مکان تبرک شده بود در منزل پروان آورده بر خت از سپردم که در تخته سینه برای او گذاشته

محمود خیره نگاه دارد با بچه بعد از آنکه ارضیج معدن پس پروان آدم در باده و ضمه مطهره ایستادم حاجی
۱۴۶

ملا باقر واعظ سپاکن طرآن حاجی میرزا باقر شیرازی مجاور کربلا هر دو حاضر بودند و ضمه خوانده بعد از

پروان برویم کفشدانی حسره خوانده در آمدند زیارت می آیند قدری دور می کشیم پاشایان عثمانی ^{علی}!

ایرانی نمیبودند محمد پاشای بامان حاکم حسله که مردی پیرو لایعزاند ام است بکر ملا آمده است او هم بود پس از

خبرنی گفت که حرم که شتبارد و در قسیم ملا آقا بزرگ مجتهد طراسنه و بعضی علماء را عنده الملکت بحضور آورد

قبل از زیارت هم حاجی میرزا جواد برادر محمد میرزا نجف اشرف آمده بود با شیرالدوله بحضور آمد. از نظر آن

خبر پرسیده است حاجی مهدی سپه آقای قاجار نصرانته خان مخیمت پیر فرخ خان امین الله

میرزا عبدالباست و منجم باشی کیلانی مرده اند علیعلیخان جواد باشی عریضه نوشته بود در غایت عینت

رخت خوانده بود اذن اوام



۱۴۶ روز شنبه وازدم رمضان امروز باید بخت شرف حرکت کنیم منزل خان شورا است
فرسنگ پشنگ مسافت دارد صبح ساعت از دست گذشته سوار شدیم سمت جنب مشرقی
بکالک نشستم حاتم السلطه وزیر خارجه میرالدوله والی بغداد سوار بودند صحبت کردیم را
همه یک بوم و صاف حرکت کالک بسیار خوب است در راه امروز میان محله بعضی جوانان دیدیم
مثل اینکه وحشی سیر شده است از آبادی که بلاد دوری بر تیب و موقوف بود معلوم نشد سی کاشته
یا باطنع ممکن است دین اراضی نخل برود و در سنگ و یم که رفتیم از سمت چپ جاده نهر و بر که و
و چون نیز آردیده میشد املات اعراب با چشم و مال زیاد اینجا ساکنند از طایفه بنی حسن و مال
قراعل مستند این محل مسکن و امی اینها نیست عربهای امروز اغلب بک هم داشتند
و چخاتی بود سمت است جاده در دل بنهار افتادیم طولوزون آمد روزنامه خواند پیشه متنا
تکیم الممالک و حاجی میرزا سید علی پیدانستند هر دو ناخوش و علی بنده بعد از نهار با کالک از جا
گذشته سمت چپ طرف آب نیز از رقم تیمور میرزا پیدا شد قدری ارگنار بر که در روی چشمها
خشک اندیم خواستیم بجاده برگردیم و چار نیز از و بجن زار بدی شدیم تیمور میرزا تقاضای
با تاشا بود یک کلاغ هم من روی مواروم تاشا داد قاز مرغ نقا حصار زیاده از حد در کل
می نشسته تیمور میرزا حصار هم صید کرده بود برای ناز و عصرانه و چای نایابا کالک که کنار بر که

برکه نمرودی بسیار باصفاست آب شیرین میان آب نیرازهای مختلف فستک دارد کناره عمیق است
جلول آب عرض چمن ریج نقطه از صد قدم و صد و پنجاه قدم میگذرد بعد از نماز و صرف چای و عصر
اقایوسف متعاباشی را کتف سوار و میان برکه را ندانم میاید ندارد بجز کل هم نیست مسافتی سواره
این آب از فوات است که فخرای نهر مندی این زمین را برکه و مرداب کرده است و عمده محل زراعت
مین سواحل مندی است برنج خوب و گندم و جو و غیره حاصل میشود از آنست برکه برج نمرودی که از
انار عمده شهر بابل است در کلبا پیرس نمرود میگویند تا میان بابل و در پهن نگاه میگردم برجی است
بلند و خراب و در کلبه کویا از خرابی عمارت تولید شده است مقبره ذی الکفل نبی و آبادی اطراف آن که
بطور جزیره جنسی باروج و صفاد همین که واقع شده است محاذی این برج از سمت دیگر دیده میشود
یهود زیارت ذی الکفل اعتقاد راسخی دارند بعضی پکنه انجام بودهی است بلکه آبادی آن از یهود است
از اطراف می آیند و رات می آرد اعراب نابع هم در آن جول و خوش مستند مدتی با دور پهن انجام
ملاحظه میگردم میرزا علیخان قشقی حضور محمدخان امین السلطان بودند بعد سوار شده
با سوار با آب ندیم قدری از میان آب اندیم پروان آمدیم جاز کناره برکه از توی چمن با کالک
الی خان شور که منزل است آمیم محمد علیخان حبیب الله خان سپاه الدوله مدعی علیخان آقاویه
جلو بودند برهنای کناره آب تنگ می انداختند و نیزند مدعی علیخان و تیمور میرزا علی پکن نیز

۱۴۹ صحرا بشکار رفته بودند قاز و مرغابی آوردند خلاصه نیم ساعت بغروب مانده وارد منزل شدیم چنانچه

در صحرا بالای خان شورزده اند خان شور مثل قلعه خنجر محکم است برج و منقل دارد همه را از آب چاه

گفته مرحوم شیخ مرتضی باول حاجی شهاب الملک ساخته است کاروانسرای دیگری که همگانه است در این

مست که از بناهای حاجی محمد حسین خان صدر اصفهانی بوده است خلاصه راه امروز بسیار با صفا

شب بعد از شام شصت و چهار خواستم محمد حسین خان و قدری روزنامه خواند



روز چهارشنبه سیزدهم رمضان امروز بایه نجف اشرف برویم صبح با کله تشتمم مجامعت جنوب

مانیم پنج فرسنگ است در حاشای االی بغداد و میرالدوله پیش رفته بودند کمال پاشا

حسام السلطان و وزیر خارج بودند صحبت شد قدری راه با کاله رقم در صحرا قاز راوی نشسته بود

شدیم بقبر امین الملک امین خلوت مجدالدوله تیمور میرزا میرسکار سایر بودند چند نوبت

تیمور میرزا بقاز را قوشش انداخت این صحرا می رفت بواسطه مجاورت این نیشداران و مرد بهمان

طیور آبی است قاز مرغ نقاشا حشار و غیره پانصد شصت کیده میریند بیچ اینطور شکارگاه ۱۵۰

نذیره ام یک پسته قاز نشسته بود پیاده شدم با کلوله یک تیراند اتم نخورد بالوله و یک روز مو تقریباً

قدم مسافت یک قاز ردم افتاد خوب انداختم یک کرک بزرگی پروان آمد همه قلیخان اسب انداخت

متصل بکرک میرسد تفنگ نمی انداخت اسپش ارکرک رو میشد باز میرسد تفنگ نمیتوانست بنزد

بزند آخر سپر برای منجان نایب سید کرک اردو صحرای یک بوم و مسطح است گیاه شور دارد که مخصوص

شر است تا کم علف است بهار پیاده شدیم غذایی صرف شد مو اکرم است بیچ علاقت

سرو و زیتان نیت بعد از چهار کالک ششم میرشکار تیمور میرزا مهد قلیخان آقا جیه

برای آمو بصحرای رفتند آمو دیده بودند میرشکار و مهد قلیخان اسب هم تاخته و باغ آمو را گرفته بودند

نخواستند بزنند آقا و جیه یک کفار زده بود حبیب الله خان سرفیپ یک آمو زده بود

تیمور میرزا در منزل آورد از طرف چپ خیلی دور باغات و نخلستان مسجد کوفه پیدا بود کهنه و مناره

و خانه های ذی لکفل پیغمبر دیده میشد امروز منسج قبل از سواری در سر پرده بعضی از علمای

نخ که با استقبال آمده بودند بحضور آمدند ایستاده پذیرفتم مجال مجلس مفصل نبود حاجی سید محمد تقی

بجز العلوم باریش سفید خیلی باش و خوش رو است آقا سید علی بجز العلوم از علما و سید جلیل العدره

برادر آقا سید محمد تقی بجز العلوم است آقا سید باقر سید علی بجز العلوم آقا سید ابوالقاسم

۱۵۱ کاشانی آقا سید صادق هم بود آقا سید جواد بحر العلوم شیخ محمد حسین آقو شیخ بقره مرحوم حاجی شیخ
جعفر مهدنی آقا سید محمد پسر حاجی سید محمد تقی بحر العلوم با بجهت از بهار عمه جا کاسپکه را در کمال عزت
میرانند در دو فرسخی مساری حاجی حضرت امیر مومنین علیه السلام حالتی دست او که بجهت الله تعالی بجهتای مقصد
و مقصود کامران شدیم با سلامت فراغت خیلی سگه و شغف کردم یک فرسخ بشهر مانده پیاده شدیم
و ضوئی کردم تا نیا سوار شدیم نزدیک شهر پاشا و مشیر الدوله و استقبالین آمدند از محاذی دروازه
وادی اسلام که ششم علمای نجف و مشایخ طلاب بیا و استقبال کرده بودند مثل آقا شیخ راضی و سایر
که اسامی آنها انشا الله نوشته خواهد شد جمعیت زیادی بود همه مقیم رسیدیم بدر و از کوه قلعه
بسیار محکم از آجر ساخته شده است باقی آن حاجی محمد حسین خان صدر اصفهانی است نزدیک
دروازه زرکال که پیاده شدیم با همه نوکران و زرا پاشایان پیاده رفتیم وارد شهر شدیم گوش
جانم ایگت بالوادی المقدس طوی میشنید زبان دلم رب اذ غلنی بخل صدق میگفت این خاک پاک
و ارض مقدس را باید از غرش خدا جزوی و از جنت آتی گرفت که وطن جان و منزل است روح
و راحت شاهه کردم که در طاق بیان نیست داخل دروازه اولاً میدانی است وسیع و طولانی
در جنب آن سپه باز خانه است عمارت و بالا خانه مشرف بهین میدان دارو که حاکم نشین است از
میدان تا درب صحن مقدس راسته بازار وسیع و مشرف است پاک و نظافت با طبیعت این زمین شسته

بی پروردگارت از سر جایا که روشک تراست در آسمای یازده و صحن شدیم صحنی است وسیع
 با روح اطراف آن در مرتبه حجرات است با کاشی معرق ساخته شده خیلی رفیع و ممتاز اصل بنای آن
 سلاطین صفوی رضوان الله علیهم است اگر چه بالای سپرد صحن هبسم نادر شاه رقم شده است
 که در طلا کردن کسبند که از اوست در صحن هم تعمیرات کرده باشد کسب در رواق مظهر در وسط صحن واقع شده
 از سمت سمت مجرد است از سمت شرقی طاق و در رواق در روضه را بصحن متصل کرده اند که از زیر طاقها
 و الان آمد و شد میشود از دست چپ بکفش کن سپیده با یوان رقم کلیده و از آقا سپید جواد پیر آقا
 سید رضای مرحوم است که پدرش راسته سال قبل شب در خانه اش شتاده جوانی مانوس و خوش رو
 اذن دخول زیارت نامر خواند وارد روضه مقدسه شدم آستان مبارک را بو سپیدم داخل کنبد
 با کاشی معرق مثل قیج چینی معلق ترصیح کرده اند اینطور کاشی باین لطافت و امتیاز کمتر دیده شده است
 از حیثیاتی که به وقت در صحن طلا شود دقیق تر و با جلوه تراست بنای کسبند هم از صفوی است قدیل
 طلا و نقره سفیدان سایرند و زرات معلق بسیار است پروهای زیاد از اطراف او بختاند صریح حضرت
 که از نقره است کو با پیشکش صفویا باشد فرشهای ابریشی عالی حریر مطرز که در رقم مست و از بنا
 عباس مرحوم صفوی است انداخته بودند کلب آستان علی عباس رقم داشت خیلی خوب خط کرده اند
 چنان است که تازه از کارخانه سپردن آمده باشد خیلی فرشهای ممتاز و کرانه است دوست

بغروب نمانده بود که وارد شدیم بالای سپهر حضرت نادر و عسکرها در زیارت خوانده شد آنکه تبارین سواد
موفق شدم بعد از زیارت سر قبر آقا محمد شاه شهید رقم صاحبزادان میرزا موسی پسر قبر است عاقبت
سینه کوچکی برپشته بود روی قبر مرموز که نبت تجاری شده دارد قبر مادر قحطی شاه مرحوم قبر والده
والده ما قبر سلیمان خان قاجار جدا قبر حسینعلی خان قاجار و قحطی شاه اطلاق کوچکی است که مجمع ابدان رجال و نساء
ایطایفه شده رحمت الله علیه از آنجا قدری در واقع کرده شد حاج حمزه خونی نام بروداق را آینه میکند خیلی
خوب عالی خود حاج حمزه حاضر بود خواستم تجیبه تمجید کنم باین الملک کفتم شان خلعت فرمان محض تزیین
باو بدو تا حاجی ایجا را تمام کند حکیم الممالک ادرود خنده متعجب دیدم هنوز ناخوش است باز برکشته بمان
اداب پیاده رقم دم دروازه سوار شده از وادی السلام عبور که ششم وادی السلام شهر خاموشان است
از چهار طاقی و آثار قبور پیش از کثیر معتبر سواد دارد بعضی بقعه ها و کنبه ها دارد که از خصلت معتبره بود و صفا
علی بنیاد علیهما السلام است اردو را درجه غربی شهر نزدیک قبرستان وادی السلام زده اند جان
چاه های مردم روی قبرها بود جای بدی دور از آب آبادی با این که کنار دریا نزدیک بود
ایجا را برای اردو انتخاب کرده بودند زیاد کجلی شدم کفتم فردا تغییر بدینند از حد گذشته خلاف
صحت قبور پس این بود تب مناسب است شام را پرورج روم میرزا علیخان مشی حضور بود محمد
قدری روزنامه پطربورغ خجسته کرد بعد از شام قورق شد خواهیم



روز پنجشنبه چهاردم صبح برای انتخاب محل اردو سوار شده رفتم کنار دریا قدری از چارواکها و در شام
 تنه‌های کتیف کوچکی است که دور دریا را احاطه دارد در آن تنه‌ها که شسته ساحل دریا منطبق میشود بعضی
 جاها تنه‌های مجزومشرف به ریاست امین السلطان اسفهان پسر فراتشباشی نصیریکت است
 فراتخانه معتمدالملک میرزا علیخان غیره بودند در محلی نزدیک بدریا موضع سپهر پرده و محل
 اردو را معین کردم آب دریا صاف با صفا و خالی از غلغله است مرغهای زیاد مای خوار و غیره
 روی دریا میزند طول دریا از شمال جنوب عرض آن از مشرق مغرب آتش را میتوان خرد تنه‌ها
 قدری شوار است در انتهای این دریا جزیره‌هاست که از اینجا نمایان نیست بالاخره عرض آن بقدر
 کم شده بطور رودخانه بدریا چند دیگر میسرند از آنهم بهیات رودخانه با اصل فرات منطبق میشود
 این دریا هم از نهرشدریه و از فاضل فرات تولید شده است با هم جدا افتادند بنا
 خوردیم بعد از آنکه کشت و مائل سوار شده از رودخانه کوچکی که رو بمغرب و سمت دریاست و از

۱۵۵ شهر ششم این قعه در دوازده دارد یکی همان دوازده کوفه بود که در ششم یکی هم این دوازده است

از کوچ بسیار تنگی رقم آنا پاک و خوب بود باستان حضرت شرف شده زیارت کردیم باز رقم سبر

آقا محمد خان مرحوم قدری نیشتم قبرها نغمه های فارس هم در واقع است سنگام مراجعت سبر قبر شیخ

اعلی الله مقامه رقم در سر راه یعنی در بی که بصورت او میشود و به مشرق اطاعتی است که چند پله رو بیالاد دارد

شیخ علی الرخه نجات فاتی قرائت شد بعد آمد سوار شدیم از کنار دریا بتزل رقم دو باغ در لیب دنیا

نخ نازه آباد کرده اند نخل های تازه سبزی کاری زیاد دارد کاموی بسیار لطیف و ممتاز دارد که

گفت در هیچ نقطه اینطور کامو تربیت نمیشود



روز جمعه پانزدهم مهر و صبح سوار شدم قم بمسجد کوفه مسجد سحله قبر مسلم بن عقیل ثانی بر عروج آمده اما
 شرف کوفه از صحرای بلای ادی استلام انداختیم رفتم تا رسیدم نهر وکیل الملک مرحوم که میخورد آب شیرین
 از فرات بنجیب میآورد لکن در خمر نهر از ابتدا وقت نگذشته با ملاحظاتی مندرسی ارتفاع آب وسط زمین بنجیب را
 نسجیده اند این مجاری کراف پیاده مانده و محتمل است که با لایم آب سطح زمین بنجیب جاری نشود از روی نهر
 یکدوم موضع راه عبور بود با نظر گذشتیم تیمور میرزا امین الملک امین جلوت میرزا علیجان محمد حسن
 پاشایان معتمد الملک امین سلطان و غیره بودند قدری از راه گذشتیم در صحرای بسیار پیاده شدم
 بعد از نماز یکا که نشسته را دیدم باز نهر بزرگ که قدیمای مجرای آب فرات از حله بود با خندق کوفه بوده است
 رسیدیم سوار اسب شده و جشن خرابها و آثار شهر کوفه شدم مثل سوم و آمار که در سیه نماجی کن
 و آجر و آجر باره زیاد ریخته است از وضع این شهر قدیم معروف و هیات بنای آن طرحی نموده است
 پشتر جا زمین برای چسبوی اسباب و پروان آوردن آجر کشنده و دوباره بجاک انباشته اند
 عبور از آن خالی از خطر و اشکال نیست باید از همان راه معین گذشت وزیر خارجه حسام السلطنه
 والی پاشا کامل پاشا علی پاشا و ب مسجد پیاده شده منظر آتیاده بودند پیاده شدم اول
 بعضی محوطه را برای بستن بال و چاه آب و آب انبار است بعد داخل مسجد میشود محوطه ایست بزرگ اطراف
 حرات دارد وسط یعنی حیاط مسجد مقام های اولیا و انبیاست که در مرکب سکوی و محراب

از آنجا که باید در تمام دور کعبت نماز کرد یک میل سنگی بر تقاع دو ذرع در تمام امامت
 علیه السلام بود بطریق نقل آدم شاخص ظرات که در بعضی جا نصب میکنند بعضی امامان
 قطران سنگ را محکم صحت نشب و میزان سلامت فطرت میدادند یعنی هر کس این سنگ را
 نقل کرد و دستهایش بکند گریزده از او شمس بکونند ششم والی پاشا براج و نزل جمعاً با تمام
 برده شاهی میکرده است محرابی که مقل حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است در سمت جنوب
 مسجد بود مردم بجلوه مختلف و عبارات غریب در دیوارها و محراب بقدری با دکار و تاریخ
 سفر خود سازانوشته بودند که سطح دیوار سیاه بود این عبادت مردم که بیشتر ماکن معروف و محل خراب
 یا دکار نمونند عادات و عیمه خیلی رنگ است خاصه در این کتبه شریفه که بسیار بی ادبیت
 و نهایت جبارت از صلیح شرقی مسجد در است مقبره مسلم بن عقیل رضی الله عنه کعبه ای دارد
 و ضریحی از بروج دارد که مادر اقاخان مجتلی ساجد است خادم و زیارت نامه خوان داشت
 زیارت کردیم مقبره مختلف است بعضی تعمیرات لازم دارد مثلاً از راه داخل کعبه نشاند
 باید سنگ شود قوی کعبه هم از بالای از راه تا بالا باید کاشی شود و شمس هم باید از تویندازند و در
 مقبره مسلم مقبره و کعبه دیگر است قبرانی بن عروه است فاتحه خواندم قبرانی ضریحی چینی دارد
 همان قبر خط است بامین الملک که تمسیر کند و ضریح خوبی بگذارد از آنجا آدم در محراب تمام

حضرت امیر علیه السلام نماز ظهر و عصر خواندم بعد سوار شده در مکنار مجدم فرات که چکیده آن
مسافت از مسجد وقت در کنار فرات تازه بنای آبادی گشته اند از دو سال پیش ازین شروع
شده است این آب از شعب فرات و از بحر ای نهر بندیده است و در این اراضی چغت چرخ آید
و بعضی از پربلغ و زراعت را مشروب میکند و قسم زراعت و اشجار سبزی را نخی ب و حتما
و نخلات شاداب و باطراوت دارد و زارع این اراضی هم از امالی ایران و بخشی از خرابانی
اصفهان بیری و سایر بلاد ایران است در آنجا قنبر هم هستند چند در آنجا هم توی
باغات پرید امین خلوت با قوش گرفت جایش را بی کار خوبیت از باغات گذشته رقم حاصل
فرات هم چون عرض آبادی باغات کم است قنبر و بیت زرع میشود اما طول آن زیاد است
و از دو طرف آب آبادی شده است مقبره حضرت یونس علیه السلام این طرف در ساحل آب بود
گنبد و محوطه داشت زیارت موفق شدم در میان آب مرغ سفالی نشسته بود و بعد قنبران گنبد
از خیلی نزدیک با چار پارچه زرد روی آب افتاد آدم آقا و جیه محمد و زنی برهنه شد آب را هم نخت کرد
سوار شده زو آب قدری رفت بر شاخه آب بعد باز پرور آمد تا آن طرف آب رفت مرغ سفالی
که بعد قنبران ده بود روی آب بود محمد از آب پیاده شد مرغ را با یک پیش گفت با دست دیگر
ذم آب چسبید آب شو میگرد محمد بهین حالت خودش را با این طرف رسانید خیلی سخت جای ن

و چاکنی کرد کسانی که از راه آب بنج میآیند درین نقطه از آب خارج میشوند از سجده الاغ بگرایند
 میگردند تا شهر میرود خلاصه بعد از صرف دای سوار شده از کوچه باغی کوچک و کم طول گذشته
 بصورت افادیم مسجد سینه رستم انجام میل مسجد کوفه است اما کوچکتر بعضی مقامات و اعمال قاعده
 اعتکاف وارد می گشت کرده معاودت کردم از تبریز کهیل بن زیاد علیه الرحمه که ششم محوطه
 کوچک متحرق از نزدیک راه واقع شده بود تا تحت خوانده نازل مراجعت نمودیم



روز شنبه شانزدهم امروز صبح که از خواب برخاستم موالبر و باطراوت بود از نصف شب دریا
 بتلاطم آمده امواج زیادی پیدا شده بود دریا متلاطم بود صد میکرو بسیار باطراوت و صفای
 بود بعد از نماز آقای حسین محمد ترک تبریزی که از جمله علماء و امرور سرآمد اهل علم و فضل است طبعاً
 همیشه مرحوم ملا آقای درندی ظالی از شبامت نیست با حاج میرزا جواد محمد برادر حاج میرزا باقر
 محمد مرحوم تبریزی با تعلق شیرالدوله بحضور آمده پس از ساعتی صحبت با ایشان بغیرم زیارتی خاتم

۱۶۰
بهر وقت حسب معمول بجهن آوردیم زیارت کردم نماز کرده موضع دو انجنت مبارک که در
منظر معین است بوسیدم ^{بجهد} همه الماس بر لبان بستم و پیش آستانه حضرت امیرالمؤمنین
سلام الله علیه کردم در بالای سر حضرت روئی یوار بجائی که دست نیرسد محلی معین شد که نصب
رویش آینه و مخطبه بگذارد امروز کفر خزان حضرت که از ایام و ابی الی حال است در قریب
هفتاد سال میگذرد کسی باز کرده بکنند اسباب موجوده را از جواهر و طلا و سایر ثب کند دوباره
از جانب اران و عثمانی مهر شود از حیف و میل و کسر نقصان مخطوبانند در بخرانه از روان است
رو بخوب شرقی خراب میگردند که بکنند میرزا کی مستوفی دیر در بصرم نامور شدت بود
پرده یعنی پوش کلاتون در از عهد عضالدوله دیلمی برای دی مستوره حضرت فرستاده اند وقتی که
قرمطی صحر زیت و خطا داشته و از اجرو کج بوده است الی حال در روی صحر حضرت آنجنت
بدون عیب تقریباً هشتصد سال میگذرد پیشش کرده اند صحر نقره حضرت را که نهم از سلیمان
صفوی است امروز امین الملک خطوط کتبه از او بد با پسم منوچهر خان معتمد الدوله نوشته اند
خلاصه آیدیم بیرون یک ناودان طلائی هم از ایام روان حضرت رو مغرب نصب شده است
ناودان رحمت مگویند قدری در صحن گردش کردم از دالان پشت صحن بالای سر حضرت و بجز آن
رو بشرق حائیت و اویش کجاشی نشیند شیخی استند از ابا سله اسلامبول مروی بود

بقدرت ریش گوشه خنده خالهای کشتنی باو در صورت نکند ندو ذنب ختمی از طایفه جاش
 خلاصه مراجعت نموده سوار شدیم پروانج و از ره کمال که نشسته بهر طرف منزل ایتم
 یک ساعت و نیم بغروب مانده وارد منزل شدیم حاجی ابراهیم خان سپه فراشاهی ایستاد
 مقورم سالهاست در نجف مجاورت دارد و در سلسله قهرات مردم اعتقاد و روسخی دارند
 شنیدم شهاب در جلوی یکی از حجرات صحن می نشیند مردم عوام کالانعام دور او را میگیرند با خضوع و ادب
 می ایستند کسی از آن جلوس نمیدهد و از این بی ادبی از پیشه نمکنند که درین مکان مقدس که شاه اولیای
 حاضر است این بازیها و افسانهها دلیل کفر و علامت جهل است اگر راه مسلمانان خواهد بود و از حضرت
 از شرح مسین و شاعرین چیست اگر چه سوای نفس و میل و هوای پندگاشانه خود را بجای دیگر نشیند
 و با سلام و سپاسین نکند گذارند این حرکت بنظم خیلی قبح آمد اسامی علمائی که امروز بخصو
 آمده اسامی آنها نوشته شد شیخ راضی عرب شیخ مهدی عرب آقا سید حسین علم
 علامه ایردانی شیخ منصور برادر شیخ مرتضی اعلی الله تعالی حاجی میرزا محمد صادق اصغری
 در طهران که بخصو آمده بود خدی است در نجف اشرف مجاورت دارد حاجی میرزا ابوالقاسم
 بشیره زاده آقا حاجی سید اسد الله پسر آقا محمد مهدی صفهانی نواده مرحوم حاجی کلبا پسر
 شیخ محمد حسین نواده مرحوم شیخ محمد حسن نجفی شیخ محمد کاظمی آقا سید حسین تبرک کوه کمری

که از اجلاط است خلاصه شب خوابدم باران یا دوی بارید

تفصیل مسجد کوفه و سنده و مقامات و بنای آن محوطه بزرگ مسجد کوفه که قطعه ناسد با حسیبه

ساخته شده است معلوم نیست کی بنا کرده و در چه تاریخ ساخته اند آنچه از روی تحقیق میگویند

دیوار سمت قبله که محراب حضرت ولایت آیت الله علیه السلام آنجا واقعست از قدیم مانده است

لکن از دو طرف دیوار کشیده و بنای کهنه را حفظ کرده اند پایه های جلوه فیلی هم قدیمی است

که مرتبه شرف آن افزوده است شگفتی که حالا موجود است از بنای سید بکر العلوم مرحوم است

سمت شرقی طاقهای دور از شخصی تا مرز امانی مسقط تقریباً صد و بیست سال پیش از این ساخته است

در سمت غربی هفت حجره از مرحوم ظاهر و کلید و اینچنانست چهار حجره حاجی صالح تا بحر

بخمی بچییه بنا کرده باقی را متذرجا ایرانیها ساخته اند بنای طاقهای سمت شمال با تمام اندوا

ایرانی است شماره مسجد را که در جنب باب الفیل ضلع شمالی مسجد واقعست حاجی قاسم با حسیبه

سنانی بنا کرده است تعمیرات حجرات دوره که همه خراب و شکسته بود و محل گشتی نوح که در وسط

مسجد است با تمام توسط مرحوم شیخ عبدالحسین از وجوه جمعی ساخته شده است

مقامات مسجد که در برکت و در کعبه نماز و ارواست از این قرار است اهتمام حضرت ابراهیم

علیه السلام دویم مقام حضرت رسول صلوات الله علیه و آله و سلم که در بقعه المعراج در آن

چهارم محاذی این مقام سازجوانده اند سیم مقام حضرت آدم علیه السلام چهارم
 مقام جبرئیل علیه السلام پنجم مقام حضرت امام زین العابدین علیه السلام ششم
 مقام نوح علیه السلام هفتم محراب حضرت امیرالمؤمنین صلی الله علیه و آله که محل نشینت
 هشتم محراب دیگر که بقاصد سی قم در صفا دیگر وقت و اختلاف کرده اند که شهادت در کدام
 ازین دو محراب واقع شده باشد نهم محراب حضرت امام جعفر صادق علیه السلام دهم
 و گاه انصاف که محل حکومت و مرافقه حضرت ولایت آب صلوات الله و سلامه علیه بوده است
 یازدهم بیت الطشت موضع معجزه معروف حضرت امیرالمؤمنین در باب دخر حاکم و دارم
 مقام حضرت خضر علیه السلام و آنچه معلوم میشود این مسجد مستغفب بوده و این مقامات موضع
 بعضی تنوہات بنای مجربها که در مقامات ساخته اند مختلف است و معلوم نیست کی ساخته
 غالباً توسط مرحوم سید بحر العلوم تعمیر شده است گنگهای مقامات که اعمال هر مقام را نوشته
 و محارشی در محرابها نصب کرده اند خط مرحوم میرزا عبدالعلی نواب یزدی از خوشنویسهای معروف
 علیخان پسر محمد تقی خان یزدی در پستاه است کرد و سنگ که حاجی اسمعیل نام نصب کرده است
 بقعه حضرت مسلم سلام الله علیه در ضلع مسجد ماچن مشرق و جنوب و قمت اصل بنامی بقعه
 از مرحوم شیخ محمد حسن مجتهد است از پول هند ساخته است ایوان تعمیرات و طارده و غیره

از جانب شاهنشاہ مرحوم شیخ عبدالحسین مابشر بوده است در سمت مشرق مقبره انبی عین و است ۱۶۴

شرح مقبره مسلم اهل بقعه را شیخ محمد حسن و اضافات را شیخ عبدالحسین با حداثت در سمت شمال مقبره

حضرت خدیجه صغری و دختر حضرت امیر المؤمنین علیہ السلام است در سمت قبله متصل بقعہ

مسلم مقبره مختار است و بقاصده صد قدم خانه حضرت ولایت مآب علیہ السلام و است

که برای علامت کنبدکاشی کبودی ساخته شده است در بیان خانه پهلوی منبر حضرت بوده که نزدیک

مقام بنظم معین است و حالا برای علامت سنگی نصب کرده اند سه باب در کان خارج مسجد

شیخ عبدالحسین مرحوم از خواه جمع خوش ساخته است و در سمت باب الفیل و وقت حوض آب

شور که همین جا وقت از سید محمد تقی بحر العلوم است حوض آب شیرین را آقا سید اسمعیل محمد

بهبانی از جانب حاجی ابراهیم بهبانی اعمی بانی شده است دو مسجد کوچک دیگر نیز است

که یکی صغصه و دیگری مسجد خانه است نزدیک مسجد سوله واقع در بر یک آب

احکاف و مار سنج و ارد است



روز یکشنبه مقدم رمضان امروز منزل بودیم صبح هوا ابر بود طراوتی داشت آب دریا
 تلاطم میکرد موجی برخواست بود بعد از چهار بار آمدند و بارانی آمد رعد و برق کرده هوا سرد شد و شکر
 و چادر آرا با و انداخت محض امروز دیده شد با حال خان سربک افشار معازر او آب منی
 از بندیه آمده بودند چون خان خانان در قبال اعراب سمت ذی الکفل آشنا دوست داشته است
 چند شبی در مصیف اعراب مانده اند حاجی میرزا علی مقدس شکوه الملک ناخوش است میرزا ابوالفضل
 طیب کاشی را فرستاده بودم او را به پیشکوتاه تقدیمات استسفاست اگر معالجه نکنند احتمال خطر
 باید شراب بخورد میرزا علی خان و محمد علی خان محصل شدند بروند حاجی را معالجه میجویند و گفته بودند
 بنکام عصر مراجعت کردند معلوم شد حاجی را معالجه کرده اند و صبح بخوردن کج نیاک که از جمله
 شکرات سخت است انشا الله معالجه میشود خلاصه سوار شده زیارت فرستیم چای پار از طهران آمده
 بود کاغذاتی که آورده بود خواندم بگفت در عرض او همه جا باران آمده است باعث انبساط
 و خوشحالی شد اینجا هم باران زمینها را زگر کرده است البته که در خاک امروز نبود بعد از زیارت
 نماز خواندم رقم سرفه مردم آقا محمد شاه یک جعبه جواهر که از خدمت حضرت پیرون آورده بودند
 والی پاشا وزیر امور خارجه مشیر الدوله آمدند در حضور بارگردد تا شاکر دم جواهرات نفیسه
 و ممتاز زیاده داشت اغلب از مردم نادر شاه افشار بود که بعد از فتح هندوستان پیشکش این سینه